یادداشت

راهکار بوستونی برای همه جهان

پیش از سال ۱۹۶۳، شرکت‌های مشاوره مدیریت و استراتژی براساس تخصص و تجربه خود به هر شرکت، پیشنهادهای متناسب می‌دادند. در این میان، گروه مشاوره بوستون ظهور کرد و شرایط را برای همه سامانه ساخت. این شرکت یک مدل جهان‌شمول طراحی کرد که بر اساس آن می‌شد برای هر شرکت و صنعتی در سراسر جهان، دستورالعمل مدیریتی ارائه داد. پیش از آن، هیچ‌گاه چنین مدلی وجود نداشت؛ مدلی که بسیار ساده بود، بر اساس واقعیات بنا شده بود و راهگاری عملی برای شرکت‌ها ارائه می‌داد.

گروه مشاوره بوستون می‌گفت باید یک رهبر بازار بود و باید هزینه‌ها را کاهش داد تا بتوان سهم بیشتری از بازار کسب کرد و در مرحله بعد، باز هم بتوان از هزینه‌ها کاست تا قیمت پیشنهادی به مشتریان از قیمت تمام رقبا پایین‌تر باشد. بهترین موقعیت در بازار، موقعیت کسب‌وکارهای ستاره بود: آن رهبر بازار که در بازار آینده‌داری فعالیت می‌کند و رشد قابل توجهی هم برای آن متصور است. چنین موقعیتی بسیار بارزش است. شرکت مشاوره بوستون ادعا می‌کرد که تقریبا تمام درآمدهایی که در طول چرخه عمر یک محصول توسط یک شرکت کسب می‌شود، نصیب کسب‌وکارهایی می‌شود که ستاره بوده‌اند.

این شرکت و بنیان‌گذار آن، بروس هندرسون، احتمالا از زمان بنیان‌گذاری آن در سال ۱۹۶۳ تاکنون، بیشترین اثر را در طرز تفکر کسب‌وکارها داشته‌اند. ابداع اصطلاح «مشاوره استراتژی» که در آن دو حوزه کاملا متمایز مدیریت برای اولین بار با هم ادغام شدند (بازاریابی و مالی)، به تنهایی توانست آوازه چشمگیری برای گروه مشاوره بوستون به ارمغان بیاورد. به مرور زمان، موفقیت افراد استفاده‌کننده از مدل این گروه (که تبدیل به کارآفرینان و سرمایه‌دارانی موفق شدند)، رونق بیشتری برای آنها به دنبال داشت. با این حال، یک بررسی روی ارزش نظری شرکت می‌تواند سنجش عملکرد آنها را سادەتر سازد.

اوسی‌اندسی (که خودش یک شرکت مشاوره استراتژی است) برآورد کرده است که بازار برای شرکت‌های برتر مشاوره استراتژی جهان از سال ۱۹۶۴ تا ۲۰۱۴ به‌طور متوسط ۱۶ درصد رشد کرده است. با این افزایش دائمی در دوره زمانی مورد بررسی، ارزش کل بازار این شرکت‌ها به ۲۱ میلیارد دلار رسید؛ رقمی که در زمان شکل‌گیری گروه مشاوره بوستون فقط ۱۱ میلیون دلار بود. اما این ۲۰۰۸ برابر شدن ارزش بازار، همه چیز نبود. مساله آن بود که تمام این دستاوردها با کمترین سرمایه به دست آمدند. اگر نرخ رشد مشابهی برای تیم فن دیگر به ثبت برسد، مشاوران استراتژی حاکمان جدید جهان خواهند شد. اما اجازه دهید به چنین پیش‌بینی‌هایی نپردازیم!

به جای آن به این نکته اشاره کنیم که براساس برآورد شرکت مشاوره استراتژی اوسی‌اندسی (**OC&C**) ارزش کنونی بازار گروه مشاوره بوستون به ۱۵/۸ میلیارد دلار رسیده است. در همین گزارش، رهبر پیشین بازار مشاوره استراتژی (یعنی شرکت مک‌کنزی) به ارزش ۳۲/۱ میلیارد دلاری رسیده است. اما مساله آن است که مک‌کنزی در سال ۱۹۶۳ نیز شرکت بزرگی بود و رشد آن براساس درآمدهایش ۷۲۱ بار بوده است؛ درحالی که ارزش بازار گروه مشاوره بوستون در همین دوره بیش از ۲۸ هزار و ۵۰۰ برابر شده است! تقسیم این دو عدد بر هم، ما را به شاخص برتری عملکرد (**outperformance index**) می‌رساند که برابر ۳۷ است. به عبارت دیگر، عملکرد گروه مشاوره بوستون در دوره ۵۰ ساله مورد بررسی، ۳۷ برابر بهتر از نزدیک‌ترین رقیبش بوده است. این رقم تحسین‌برانگیز، پاداش شرکتی است که بزرگ‌ترین سازه‌ساز جهان در صنعت خود (مشاوره استراتژی) است.

باید باز دیگر بر این موضوع تاکید کرد که محاسبات بالا، یک «برآورد نظری» از ارزش بازار شرکت‌های نام‌برده است؛ چراکه برآورد دقیق پولی ارزش شرکت‌هایی که سرمایه چندانی ندارند و دانش و تخصصشان دارایی اصلی شرکت به حساب می‌آید، کار ساده‌ای نیست. در هر صورت، عرضه اولیه سهام گلدمن ساکس (**Goldman Sachs**) نشان داد این کار، شدنی است. درست است که گلدمن ساکس یک بانک سرمایه‌گذاری است و نه یک موسسه استراتژی. از طرف دیگر، گلدمن ساکس از حجم بالای سرمایه و فناوری بهره می‌برد. با این حال، حتی گلدمن ساکس نیز در نهایت به سرمایه انسانی و دانش خود وابسته است؛ دقیقا مثل شرکت‌های مشاوره استراتژی. برجسته‌ترین تفاوت بین این دو حوزه آن است که کارکنان بانک سرمایه‌گذاری، علاقه‌مند و مصمم‌به ثروتمند شدن سریع هستند؛ درحالی که مشاوران صبر و حوصله بیشتری به خرج می‌دهند.

واقعیت آن است که مشاوران استراتژی تمایل چندانی ندارند که خودشان را از جنبه مالی و پولی ارزیابی کنند. چنین روحیه‌ای در فرهنگ آنها نیست. ماروین بوور (**Marvin Bower**)، رهبر و پدرخوانده مک‌کنزی نیز در دوران شغلی طولانی خود همواره تلاش کرد از به‌کار بردن واژه شرکت برای مک‌کنزی خودداری کند و بیشتر آن را یک موسسه (**Firm**) می‌دانست؛ موسسه‌ای که اهداف و برنامه‌های والاتری نسبت به کسب درآمد صرف داشت. اصرار او به استفاده از واژه موسسه، همچنین به معنای آن بود که منافع موکلان مک‌کنزی نسبت به خودشان ارجحیت دارد. چنین نگرشی تقریبا به همین قوت در گروه مشاوره بوستون هم دیده می‌شود چرا که بروس هندرسون، بیش از پول به نتایج کار و ایده‌هایی که می‌داد، در نتیجه چنین نگاهی، مک‌کنزی و گروه مشاوره بوستون (و البته بیشتر موسسات مشاوره دیگر) عملا مانند شرکت‌های تعاونی هستند که در مالکیت و کنترل کارکنان خود قرار دارند نه تعاونی‌ها و نه رهبران آنها میلیاردر نمی‌شوند.

با این تفاسیر، ممکن است گروه مشاوره بوستون ۱۵/۸ میلیارد دلار «ارزش» نداشته باشد؛ چراکه هیچ‌گاه در بورس عرضه سهام نخواهد داشت. این یک محدودیت خودخواسته است (که البته من هم درکش نمی‌کنم) و با این حال، چیزی از دستاوردهای آنها کم نخواهد کرد. در عین حال، مقایسه‌ای منصفانه بین آن با مک‌کنزی انجام شده است. در مجموع، برآوردهای صورت گرفته ممکن است غیرواقع‌بینانه باشد، اما برتری عملکرد گروه مشاوره بوستون نسبت به مک‌کنزی جای بحث ندارد؛ برتری عملکردی که مدیون شاهکار آن در ساده‌سازی است.

ریچارد کخ و گریگ لاک‌وود
ترجمه: مهدی نیکونی

همتی تاکید کرد؛

لزوم هوشمندسازی امور مربوط به خدمات شهری

به گفته معاون خدمات شهری شهرداری کرج، رویکرد جدید معاونت خدمات شهری استفاده از امکانات و فناوری های نوین در اداره شهر است.

به گزارش پیام آشنا، علی اصغر همتی در نشستی با مدیرکل حراست شهرداری کرج با تاکید بر لزوم هوشمندسازی امور مربوط به حوزه خدمات شهری گفت: با توجه به ماموریت های مهم و پر تعداد این معاونت، هوشمندسازی برنامه ها نقش زیادی در ارائه خدمات مطلوب به شهروندان دارد.

وی با اشاره به اینکه ۸۰ درصد از وظایف شهرداری بر عهده معاونت خدمات شهری است، ادامه داد: حوزه خدمات شهری ارتباط نزدیکی با شهروندان دارد و باید برای رضایتمندی آنان تلاش کند.

همتی گفت: تلاش می‌کنیم در ایجاد شهر هوشمند و شهر دانش محور که مرز بین هوشمندسازی و دانش محوری است خدمات بیشتری به شهروندان ارائه دهیم.

وی با بیان اینکه رویکرد جدید معاونت خدمات شهری استفاده از امکانات و فناوری های نوین در اداره شهر است خاطرنشان کرد: با راه اندازی سه نرم افزار خدمات شهری بر پایه **GIS** سامانه پی وب و سامانه پرسنلی تیروهای پیمانکاری نظارت دقیقتری بر عملکرد مجموعه خدمات شهری خواهیم داشت.

احسان محمدی؛ مهمان رویداد گپ

زندگی در دهکده‌ی جهانیِ کوچکِ کرونازده

نسترن کیوان‌پور

اپیزود اول: می‌توانی "البرز" باشی؟

"در روزگاری که مدام می‌گویند کلاهِ خودت را بچسب، در روزگاری پُر از اختلاف و دزدی و خودخواهی، خوشا البرز بودن" این‌ها حرف‌های احسان محمدی، روزنامه‌نگار است که راوی بیست‌ونهمین رویداد گپ به همت کانون رشد خلاق بود. رویدادی که این بار با محوریتِ "شهروند جهانی بودن" برگزار شد.

توی سالن نشسته بودم و حرف‌های او من را به فکر واداشته بود. از "البرز زارعی" می‌گفت که چالش را به معنای واقعی فنای دیگری، فنای طبیعت‌دوستی کرده بود و مستقیما پرسش می‌کرد که آیا ما هم می‌توانیم در شرایط یکسان مثل البرز عمل کنیم؟ می‌توانیم فداکاری کنیم؟ یا فقط حرفش را می‌زنیم؟ به حرف‌های او گوش می‌کردم و به این موضوع فکر که چند بار از کنارِ کودکان کار عبور کردیم و قدم‌هایمان را تند تر که مجبور نباشیم کمک کنیم؟ چند بار شاهد یک نزاع خیابانی بودیم و میبرمان را عوض کردیم‌ایم تا توی دعوا چاقو نخوریم! اصلا به ما چه که کسی تاراحت است؟ کسی غم دارد؟ چند نفر دعوا می‌کنند؟ به ما چه ربطی دارد که حالِ کسی بد باشد؟

حالا احسان محمدی می‌گوید که دیگری را دوست داشتن، قدرت زیادی می‌خواهد. می‌گوید گفتن این حرف‌ها که "دیگری را دوست داشته باش" ساده است اما خودمان اگر جای کسی باشیم که فرزندش در یک دعوا کشته شده، قدرتِ بخشش خواهیم داشت؟

محمدی سوال مهم‌تری هم می‌پرسد: «آیا انسان ذاتا موجود خودخواهی است یا دیگر خواه؟»

محمدی می‌گوید: «یک دیدگاه وجود دارد که معتقد است نسل اکنون در کره‌ی زمین نسلِ بزدلان تاریخ است. شجاعان رفته‌اند، جنگیده‌اند و فداکارانه زندگی کرده‌اند. پیشینیان ما، اما عقب‌گز کرده‌اند تا صدمه نبینند»

هرچند به اعتقاد او، امثال حسین فهمیده، دهقان فداکار و البرز هنوز ژن فداکاری دارند اما سوال این جلسه که ما در کدام دسته‌ایم.

او می‌گوید: «دهه‌ی محرم نزدیک است و بارها لبیک یا حسین سرداده‌ایم اما آیا هرگز اندیشیده‌ایم که اگر امروز کربلا بود و عرصه‌ای برای سنجشِ شجاعت ما، در کدام صف می‌ایستادیم؟»

اپیزود دوم: امان از ذهنِ مددِ اندیش ما!

چند سال پیش فیلمی دیده بودم به نام "مه". داستان فیلم از این قرار است که دیوید و پسر ۵ ساله اش که در شهر کوچکی زندگی می کنند پس از طوفانی شدید برای تهیه مایحتاج روزانه به سوپرمارکت شهر می‌روند. سوپرمارکت به مکه کل آن ناحیه را در بر می‌گیرد. گروهی از مردم به همراه آنها در این سوپرمارکت گیر می‌افتند. خیلی زود معلوم می‌شود که موجودات ترسناک و عجیبی داخل مه وجود دارند اما نکته اینجاست که دعوای اصلی با موجودات عجیب نیست. دعوا میانِ انسان‌هایی در می‌گیرد که دچارِ بحران شده‌اند. موجودات تهدیدِ اصلی نیستند! این آدم‌ها هستند که هم‌دیگر را در بحران می‌درند.

جالب است که احسان محمدی در این رویداد به کتابِ شهروند از تامس هابز اشاره می‌کند و این جمله: "انسان، گرگِ انسان است".

او می‌گوید: «ما انسان‌ها مجبور شدیم برای بقا و مقاومت در برابر دشمنِ بزرگ‌تر؛ طبیعت، با هم کنار بیاییم و زندگی جمعی داشته باشیم اما در عین حال در شرایط بحران می‌توانیم هم‌دیگر را بخوریم و ببریم."

محمدی می‌گوید: «در همین شیوع کرونا، هم‌دیگر را نقد کردیم، توی سر هم زدیم که چرا سر ماسک و الکل این طور رفتار می‌کنیم اما دیدیم رامزی ماسک و وسایل بهداشتی جهانی شد حتی در کشورهایی که متمدن و پیشرفته بودند و هرگز گمان نمی‌کردیم این اتفاقات در آن‌ها هم رخ دهد. این رفتارها نشان می‌دهد که ما در لحظات بحران و تنش به غریزه‌های بقا بازمی‌گردیم. زیگموند فروید هم می‌گوید گزاره "دیگری را هم‌چون خود دوست بدار!" در تضاد با ذات بشر است چرا که در لحظه‌های بحرانی و حساس، خود را بیش از دیگری دوست داریم.»

اما دیدگاه‌ها به این موارد متفاوت است. احسان محمدی می‌گوید: «وقتی سیل و زلزله یا چنین فجایعی رخ می‌دهد، مردم کارهایی انجام می‌دهند که ما را شگفت‌زده می‌کند. مثل مسئولان دنبال مطرح شدن اسم یا انتشار عکس در حین کمک نیستند. دنبال برنزِ نِن‌المپیک‌کستان نیستند، فداکارانه عمل می‌کنند. اما وقتی در سطح خُردتر و زیست اجتماعی قرار می‌گیرند انگار این نوع‌دوستی‌ها رنگ می‌بازد. "مشکل خودته"، "به من مربوط نیست"! این قبیل جملات در حال تکثیر و تکرار است. متاسفانه هم بینِ ما هم بین مسئولان. مسئولان می‌گویند این مشکل وزارتخانه‌ی ما نیست، مشکل آن یکی وزارتخانه است و مواردی از این دست. چه‌طور می‌توان در اجتماع زندگی کرد و خود را جدا انگاشت؟ تک تکِ خشت‌ها باید کنار هم بایستند تا دیوار، دیوار بماند.»

محمدی می‌گوید: «ذهن عددانديش بسیار خطرناک است. اینکه فکر کنیم اگر ۱۰ هزار تومان کمک کنیم ۱۰۰ هزار تومان پس می‌گیریم. هم‌چنین با اعداد و ارقام اگر سرو کار دارد دیگر. آمار فوتی‌های کرونا دلِ آدم را به درد می‌آورد. اینکه تابه‌حال مثلا ۲۰ هزار نفر در نتیجه‌ی ابتلا به کرونا فوت کرده‌اند و فقط این آمار را می‌شنویم بدونِ هیچ احساسی. این ۲۰ هزار نفر، ۲۰ هزار پدر بوده‌اند، مادر بوده‌اند، فرزند بوده‌اند، ۲۰ هزار قصه بوده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «به نظر من کرونا جهان هستی را خیلی کوچک کرد. جهان را دهکده کرد. هرگز و هرگز در تاریخ، هیچ اتفاقی این‌قدر جهان‌شمول نبوده است. اگر جنگ جهانی رخ داد، قسمتی از اروپا درگیر بود؛ افریقا نه. اگر گرسنگی بود در افریقا بود، روسیه درگیر نبود. اگر بمب اتم هیروشیما و ناکازاکی را با خاک یکسان کرد، تورنتو و بنکوور امن بود.

هشت سال در جنگ سختی کشیدیم و کشورهای همسایه در راحتی زندگی می‌کردند. داعش آدم‌ها را زنده زنده آتش می‌زد و ما راحت توی رستوران پیتزا می‌خوردیم. اما کرونا فرق دارد. کرونا نشان داد دنیا خیلی کوچک است و سرانجام انسان‌ها به هم بسیار نزدیک و وابسته به همان شرط بقای اولیه رسیدیم که اگر کنار هم نباشیم همه با هم غرق خواهیم شد.»

اپیزود سوم: یک کارمند خوشحال باش، نه یک مدیرِ افسرده

احسان محمدی می‌گوید: «زندگی سه بُعد طول، عرض و ارتفاع دارد. طول یعنی همه‌ی تلاش‌هایی که در زندگی برای موفقیت‌های فردی می‌کنیم. ارتفاع یعنی رابطه‌ی ما با خدا یا یک باور فراتر از مسائل زمینی. عرض هم میزان نفعی که به دیگری می‌رسانیم. باید از خودمان بپرسیم آخرین بار کی حال یک نفر را خوب کردیم، کی سخاوتمندانه چیزی به کسی بخشیدیم؟ کی گوش شدیم برای شنیدنِ حرف‌های دیگری؟»

او می‌گوید: «اگر حال این کشور بد است به این دلیل است که به آدم‌ها یاد نداده‌اند خوشحال باشند. یک کارمند خوشحال باش نه یک مدیر افسرده، یک پرستار بخشنده باشد نه پزشکی که در اتاق عمل به فکر خرید تیرآهن است. مدام فرزندانمان را مانند ربات به کلاس‌های مختلف می‌فرستیم؛ باشگاه، زبان، نقاشی، موسیقی و ... و برای یک نمره سرزنشش می‌کنیم، بچه‌ها را شماتت می‌کنیم، پوستشان را می‌کنیم و با گریه به خواب می‌روند که نهایتا به زور دکتر یا مهندس شوند. اما بچه‌ها اسباب بازی ما نیستند و وظیفه‌ی تحقق آرزوهای ناکام ما را ندارند. باید بچه‌ها را خوشحال بار آورد. اگر در حال حاضر حلمان بد است و در جامعه نوع‌دوستی نمی‌بینیم برای این است که به بچه‌ها یاد نداده‌ایم که از زندگی چه بخواهند. من به شخصه امیدوارم فرزند من نوع‌دوست، مطالبه‌گر، مسئولیت‌پذیر و مشتاق به کمک باز بیاید تا مدام نمره‌های خوب در کلاس بگیرد.»

احسان محمدی حرف‌هایش را در رویداد گپ با این موضوع پایان می‌دهد که: «هر شبکه‌ی اجتماعی یک کلمنت دیدم که برایم بسیار جالب بود: "دنیا پر از زشتی است؛ آیا خودت بخشی از زیبایی‌هایش هستی؟" نباید به بد بودن، به بد دیدن، به زشتی دیدن و تکثیرِ آن عادت کنیم.»

به نظرم این رویداد گپ، یک ویژگی جالب داشت و ایجاد سوالاتی مهم و چالش‌برانگیز در ذهنِ ما. به نظرتان یک مدیر افسرده هستید؟ یا یک کارمند خوشحال؟ آیا از آن دست آدم‌هایی هستید که "به من چه ربطی دارد" مدام از دهانشان خارج می‌شود؟ یا سعی می‌کنید حالِ کسی را خوب کنید؟ کسی را خوشحال کنید؟ آیا شنونده‌ی درد‌های مردم هستید؟

کارگاه تولید ماسک در فرهنگسرای شهید آوینی راه‌اندازی شد

کرج افتتاح شد

کارگاه تولید ماسک رایگان در فرهنگسرای شهید آوینی وابسته به سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری

به گزارش پیام آشنا: حسین سعیدی سیرابی با اشاره به اینکه این کارگاه ملسک رایگان در اختیار نیازمندان و قشر کم برخوردار جامعه قرار می دهد گفت: یکی از رسالتهای اصلی ما فرهنگ سازی و ارائه خدمات فرهنگی است که تجهیز، راه اندازی و افتتاح این کارگاه آن هم با کمترین اعتبار به منظور تحقق همین هدف بوده است.

وی در ادامه با بیان اینکه در شرایط فعلی همه ما وظیفه داریم برای مهار ویروس کرونا تلاش کنیم گفت: در حال حاضر یکی از روش های موثر برای آگاهی رسانی و کنترل این ویروس استفاده از فضای مجازی است که سازمان فرهنگی اجتماعی برنامه های مختلفی را اجرایی کرده است.

این مسئول نقش فرهنگسراها را در آگاهی بخشی به شهروندان موثر دانست و ادامه داد: در حال حاضر فرهنگسراهایی تحت پوشش این سازمان در مناطق مختلف کرج وجود دارد که هریک به نحوی در زمینه فرهنگی اقدامات مطلوبی را انجام می دهند.

مدیر فرهنگسرای شهید آوینی کرج نیز در این مراسم با اشاره به حمایت همه جانبه معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری از تجهیز و راه اندازی این کارگاه چهاری گفت: در فاز اول راه اندازی این کارگاه ۵ دستگاه چرخ صنعتی خیاطی در مجموعه مستقر شده که با همکاری پایگاه بسیج خلج آباد، بقوان خیاط به صورت داوطلب و جهادی کار دوخت ماسک ها را انجام می دهند.

مهشید رضایی ادامه داد: تاکنون سه هزار عدد ماسک در این کارگاه تولید شده که پیش بینی می شود تا هفته های آینده این آمار به تعداد قابل قبولی برسد.

به گفته این مسئول در فاز بعدی قرار است با کمک بخش خصوصی و یکی از کارآفرینان استان، تجهیزات لازم جهت راه اندازی کارگاهی در فضایی بزرگتر و مجهزتر جهت ایجاد اشتغال برای بانوان سرپرست خانوار مهیا شود.

گفتنی است در این مراسم از بانوان خیر فعال در این کارگاه قدردانی شد. در حاشیه این آیین گالری آثار هنری هنرمندان استان البرز نیز با نمایش بیش از ۲۰ اثر منتخب مورد استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت.

اخبار

تامین ایمنی با قطع اتوماتیک گاز پس از زلزله

دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی با بیان اینکه قطع اتوماتیک گاز پس از زمین لرزه موجب می‌شود که مواد سوختی برای وقوع حریق و آتش تامین نشود، گفت: تا کنون اقدامات مثبت و سازنده‌ای انجام شده که امیدواریم سرعت گیرد؛ چراکه نمی‌دانیم زلزله چه زمانی رخ می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، علی بیت اللهی درباره لزوم مجهز شدن ایستگاه‌های گاز با فشار بالا به سیستم‌های قطع‌کننده گاز اظهار کرد: همان‌طور که در زلزله کوبه ژاپن درس فوق‌العاده‌ای گرفتیم، استمرار نشت ممتد گاز پس از وقوع زمین لرزه مواد لازم برای حریق و آتش‌سوزی مستمر را فراهم می‌کند.

وی به حادثه ریزش یک ساختمان در منطقه صالح‌آباد غربی تهران که طی هفته‌های گذشته رخ داد نیز اشاره کرد و دراین مورد گفت: طی این حادثه پس از ریزش ساختمان حریقی رخ داد که گفته شد بر اثر نشت گاز داخلی بوده است. وی ادامه داد: اگر نشت گاز قطع شود امکان وقوع حریق وجود ندارد. در زلزله کوبه ژاپن هم اینگونه شد که پس از بازگشت مردم به خانه‌ها به دلایل متعددی آتش‌سوزی و انفجاراتی رخ داد که حوادثی سنگین‌تر از زلزله به بار آورد.دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی گفت: قطع اتوماتیک گاز موجب می‌شود که مواد سوختی برای وقوع حریق و آتش تامین نشود و ایمنی برای افراد باقی‌مانده، ساختمان‌های سالم، ساختمان‌های نیمه تخریب شده و حتی ساختمان‌های تخریب شده، حفظ شود. بیت‌اللهی با بیان اینکه برای شبکه گاز شهر تهران شرکت گاز استان تهران تلاش‌های خوبی در جهت ارتقای ایمنی این شبکه انجام داده است و در دست انجام دارد، گفت: اجرای قطع اتوماتیک گاز در ایستگاه‌هایی که گاز با فشار بالا را به لوله‌های مصرفی مشترکان می‌رساند یکی از اقداماتی است که در برنامه بوده است و گفته می‌شود که باید حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ ایستگاه به این قطع کن‌ها مجهز شوند، تا آن جایی که بنده اطلاع دارم حدود ۵۰ ایستگاه مجهز به این سیستم قطع اتوماتیک شده است. وی درباره یکی دیگر از اقدامات انجام شده برای ارتقای ایمنی این شبکه گفت: علاوه‌بر آن شبکه گاز تهران با همکاری ما در زون‌های تقاطعی با گسل ها، مکان و تقاطعی تعریف کرده که به محض رخداد زلزله، لوله‌های گاز با فشار بالا قطع خواهند شد، همین‌طور در برنامه شبکه گاز استان تهران نقطه ایستگاه‌های تخلیه گاز برای گاز محبوس در لوله‌ها مکان یابی شده است.وی گفت: تاکنون اقدامات مثبت و سازنده‌ای انجام شده که امیدواریم سرعت گیرد؛ چرا که نمی‌دانیم زلزله چه زمانی رخ می‌دهد.امیدواریم اگر زلزله احتمالی تهران رخ داد این سیستم‌ها آماده کار باشند و خیلی دچار تاخیر در اجرا نباشیم.

واگذاری فضاهای شهری به هیات ها در دهه اول محرم رایگان است

شهردار تهران، گفت: فضاهای شهری در دهه اول محرم به صورت رایگان به هیأت‌ها واگذار می‌شود.

به گزارش پیام آشنا، پیروز حناچی، در حاشیه مراسم اهتزاز پرچم عزای اباعبدالله در پارک شهید حقانی در جمع خبرنگاران، افزود: تمامی فضاهای باز شهرداری با تقاضا و درخواست هیأت‌ها برای اجرای مراسم عزاداری امام حسین (ع) به صورت رایگان در اختیارشان قرار خواهد گرفت.

وی در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا در این فضاها پروتکل‌های بهداشتی رعایت خواهد شد، توضیح داد: شرط واگذاری این فضاها به هیأت‌ها، رعایت پروتکل‌های بهداشتی وزارت بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا است.

شهردار تهران همچنین در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا از هیأت‌ها در قبال واگذاری این فضاها هزینه‌ای دریافت خواهد شد، گفت: در دهه اول به هیچ وجه مبلغی از هیأت‌ها دریافت نخواهد شد و تنها فضاهای باز در اختیارشان قرار می‌گیرد.

مریم بذرافکن، رئیس اداره کارگزینی شهرداری کرج شد

پس از مدت‌ها انتظار برای تحقق شعار بهره گیری از توانمندی های بانوان و قرارداددن آنها در جایگاه های مدیریتی، مدیر کل سرمایه انسانی شهرداری کرج کسی بود که به مریم بذرافکن اعتماد کرد تا برای نخستین بار از یک بانو در سمت ریاست اداره کارگزینی شهرداری کرج بهره گیرد.

به گزارش پیام آشنا، ابلاغیه مریم بذرافکن در حالی به وی تقدیم شد که به گفته مدیرکل سرمایه انسانی شهرداری کرج، سوابق کاری وی از توانایی و پویایی در حوزه فعالیتش حکایت دارد.

عمران احمدی گفت: این انتصاب دلایل مختلفی داشت که یکی از آنها انگیزه ما برای سپردن پست های مدیریتی به بانوان پویا، متخصص و توانمند بود.

وی با اذعان بر اینکه یک سوم از جمعیت کارمندان و نیروهای شهرداری کرج را بانوان تشکیل می دهند، سهم بسیار اندک آنان از پست های مدیریتی را قابل تأمل ارزیابی کرد و افزود: بانوان متخصص، مستعد و با پشتکار در مجموعه شهرداری کرج کم نیستند اما متاسفانه تاکنون کمتر مورد اعتماد و توجه قرار گرفته اند و کمتر پست و جایگاه مدیریتی به آنها سپرده شده است.

این مسئول گفت: ما تلاش کردیم گام های اولیه ی تحقق عدالت در تقسیم پست ها بین بانوان و آقایان را برداریم. امیدوارم این راه برای سایر بانوان متخصص مجموعه نیز هموار شود.

مدیرکل منابع انسانی شهرداری کرج، مسئولیت ریاست اداره کارگزینی را سنگین دانست و ادامه داد: بذرافکن، پیش از این به عنوان کارشناس عالی رتبه در سازمان شهرداری های کشور فعالیت داشته است؛ همچنین انجام امور کارمندی شهرداری کرج به عهده ایشان بوده است که این سابقه کاری، توانایی وی برای حضور در این جایگاه را تایید می کند.

مریم بذرافکن، دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته تشکیلات و بهبود روش هاست که از سال ۹۷ در شهرداری کرج مشغول به فعالیت می باشد. وی سابقه ۶ سال فعالیت در سازمان شهرداری های کشور را نیز در کارنامه کاری اش به ثبت رسانده است.

قربونِ دَسِت، اون شیر آبُ ببند.